

تاریخ خط حرفی در جهان و ایران

علیقلی اعتماد مقدم

و در میانه‌ی خطوط میخی، خط میخی فارسی تنها خطی است که بصورت الفبای نسبتاً کاملی درآمده است.

میتوانیم از خود پرسیم که چه علتی در کار بوده است که نه ملل قدیم و نه کشورهای توخاسته کنونی، نتوانسته‌اند خطوط خود را درست و کامل کرده و نیز برای هر صوتی یک نشانه‌ی ویژه‌ای بکار برده باشند. تنها علت آشکار آنست که هیچ‌یک به‌راز اصلی این فن‌آشنایی نداشته‌بودند و این‌راز که جزء رازهای فرهنگی ایران بشمار می‌رفته در دسترس هر کس نبوده است و با از میان رفتن آن طبقه ممتاز، رموز اصلی آن در تاریکی نهفته شده است.

اگر خواسته‌باشند بی‌غرضانه راجع بتاریخ و اصل خطهای حرفی جهان پژوهش کنند و به نتیجه برسند ناگزیرند تحقیق کنند که کدام یک از ملتهای جهان خطهای کامل مختلف داشته است و کدام خط است که ترتیب حروف آن علمی و فنی است، زیرا هر خط کاملی که ترتیب حروف آن علمی باشد مخترع آن از علم صدآشناسی اطلاع داشته و باید در نزد آن ملت مدارک فنی و علمی و تاریخی خط حرفی یافت شود.

در صورتیکه چنین تحقیقاتی انجام گیرد، تاریخ خط و علم صدآشناسی و موسیقی و سبب پیدایش و پیشرفت این علوم در قدیم روشن خواهد شد و معلوم خواهد گردید چنانکه زمینهای اختراع نت موسیقی خط لاتین نبوده، زمینهای خطهای حرفی جهان هم خط میخی و نقشی نبوده است.

اینک میپردازیم به مدارک تاریخی درباره الفبا در ایران^۱:

۱ - نگاه کنید به: دبیره (ذ. بهروز) جزوه شماره ۲ ایران کوده؛ گشته دبیره (دکتر صادق کیا) جزوه شماره ۵ ایران کوده؛ خط و فرهنگ (ذ. بهروز) جزوه شماره ۸ ایران کوده؛ قصه سکندر و دارا (دکتر اصلا ن غفاری)؛ آینده زبان فارسی (دکتر محمد مقدم).

می‌گویند که هندوان در آغاز هر کتابی، می‌نویسند: « درود بر آن کسی باد که خط را اختراع کرد. » ما نیز چنین ستایشی را به حق درخور آن کس میدانیم، چون کلید هر دانشی خط است. بیجهت نیست که آغاز دوران تاریخی را با پیدایش خط میزان کرده‌اند. دیر زمانست که مردم جهان پی به اهمیت آن برده و خواسته‌اند که بدانند کی و کجا و چگونه آن اختراع شده است.

چنانکه از کتب فارسی و عربی و یونانی مستفاد میشود موضوع اصلی الفبا و مخترع آن چندین بار در تاریخ جهان زمینة بحث و جدال دینی و فرهنگی بوده است.

تایک قرن پیش بطوری موضوع الفبا را با روایات مذهبی مربوط کرده بودند که کسی از ترس تکفیر جرئت سخن گفتن در آن باره را نداشت. کم کم موضوع بدین سادگی را با اغراض بخصوصی به موضوع باستان‌شناسی درآمیختند و حدسیات کم و بیش مغرضانه در پشت حدسیات نمودار گشت تا به گمان خود بتوانند پرده‌ای بر روی تاریخ این اختراع شگفت آور بکشانند و مخترع خط الفبائی را بیرده فراموشی بسپارند.

در اسناد کهن اروپائی مدرکی دیده نمی‌شود که ذکر از نام مخترع خط کرده باشد. و هنگامی که در این باره سخن می‌گویند جز افسانه و اوهام چیز دیگری دستگیر کسی نمی‌شود. در ایران با اینکه قرن‌هاست که بعلت تعصبات جاهلانه و خرابکاری زندیقان از جعل و دستخوردگی در مدارک تاریخی فروگذار نگردیده با اینهمه خوشبختانه از لابلای سطور تاریخ میتوان اسناد و مدارکی تاریخی و فنی یافت که بطور روشن تاریخ الفبا را نشان میدهند.

پیش از اینکه وارد بحث تاریخی شویم توجه خوانندگان را به این دونکته جلب می‌کنیم:

« کاملترین خط الفبای جهان تا به امروز، خط اوستاست

فارسی متنوع است و دارای هفت فن میباشد که محمد موبد معروف به ابو جعفر متوکلی (۲۵۰ هجری) ذکر کرده است. به گمان او فارسبان در هنگام پادشاهی خود با هفت کتابت اراده‌ی گوناگون خود را تعبیر می‌کردند و نامهای آنها اینست: آدم دفییره، کشته دبییره، نیم کشته دفییره، فرورده دفییره، راز دفییره، دین دفییره (وسف دفییره).

معنی آدم دفییره کتابت عامه است، معنی کشته دفییره کتابت تغییر یافته (گشته) است. معنی نیم کشته دفییره کتابت نیم تغییر یافته است. معنی فرورده دفییره کتابت رسائل است. معنی راز دفییره کتابت راز و ترجمه است. معنی دین دفییره کتابت دین است و با این کتابت می‌نوشتند قرائت و کتب دینی خود را. معنی و سف دبییره جامع‌الکتابات است و آن کتابتی بوده شامل لغات امم از روم و قبط و بربر و هندوچین و ترک و نبط و عرب. کتابت عامه از میان آنها با بیست و هشت قلم رسم میشد و برای هر قلمی از آنها نام جداگانه‌ای بود چنانکه گفته میشود در خط عربی و خط تجاوید و خط تحریر و خط تعلیق.

«صناعت کتابت نامهای مختلفی داشته ملازم فنون طبقات اعمال و بیشتر آن نامها فراموش شده و آنچه از آنها به یاد مانده اینست: داد دفییره، شهر همار دفییره، کده همار دفییره، گنج همار دفییره، آهر همار دفییره، آتشان همار دفییره، روانگان همار دفییره.

اما داد دفییره کتابت احکام و اقصیه است.

شهر همار دفییره بیت‌الخراج است.

کده همار دفییره کتابت حسابهای دارالملک است.

گنج همار دفییره کتابت خزائن است.

آهر همار دفییره کتابت اصطبلات است.

آتشان همار دفییره کتابت حسابهای آتش است.

روانگان همار دفییره کتابت وقف‌هاست.

کتابهای دیگر هم بوده است که نامهای آنها مندرس شده و روشن نیست. در نوشتن، این هفت نوع کتابت را بکار می‌بردند چنانکه در سخن گفتن نیز پنج زبان بکار می‌رفت. . . . «تا اینجا حکایت زردشت پورا در خور معروف به محمد متوکلی میباشد. «فارسبان نیز کتابت دیگری به نام کتابت عصا داشتند. این را شلمقانی حکایت میکند و متوکلی از این کتابت خبر نداشت.»

ابن ندیم در الفهرست (که در سال ۳۷۷ هجری تألیف شده) گوید: «عبدالله بن مقفع (وفات ۱۴۴ هجری) گفت

جهشیری در کتاب الورداء گوید: «از گشتاسپین لهراسب کتب و رسائل کم بود ولی در زمان پادشاهی گشتاسپ زردشت ظهور نمود و خط عجیب خودش را برای همه‌ی زبانها آورد و مردم خط و نوشتن آموختند و در این کار ماهر شدند.» مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف که در ۳۴۵ هجری تألیف شده است گوید: «زردشت کتاب اوستای معروف خود را آورد و عدد سوره‌های آن بیست و یک بود و هر سوره‌ای در دو بوست ورق، و عدد حروف و اصواتش شصت حرف و صوت، و هر حرف و صوتی شکل جداگانه داشت و از آنها حرفی تکرار و حروفی اسقاط میشوند زیرا که مخصوص زبان اوستا نیست. این خط را زردشت احداث کرده و مجوس آن را دین دبییره می‌گویند.»

«و زردشت خط دیگری احداث کرد که مجوس آن را کسب دبییره^۲ یعنی خط کلی می‌گویند، و با این خط لغات امم دیگر و صدای حیوانات و طیور و غیره را می‌نوشتند. عدد حروف و اصوات این خط یکصد و شصت حرف و صوت است و هر حرف و صوتی صورتی جداگانه دارد. در خطوط امم دیگر، خطی که دارای حروفی بیشتر ازین دو خط باشد نیست، زیرا که حروف یونانی که اکنون آن را رومی می‌گویند بیست و چهار حرف دارد و در آن «ح خ غ ه ذ ض» وجود ندارد.

«فارسبان غیر از این دو خط که زردشت آنرا احداث کرد پنج خط دیگر دارند. برخی از این خطها در آن کلمات نبطی^۳ داخل و در برخی داخل نمی‌شود.»

مسعودی در کتاب مروج الذهب گوید: «زردشت پور اسپتمان . . . از اهل آذربایجان بود و او پیغامبر مجوس است و کتاب معروف را که عوام آن را زمزمه گویند و مجوسان آنرا ابستا می‌نامند آورد. حروف معجم این کتاب که او برای ایشان آورد شصت حرف معجم دارد. در حروف زبانهای دیگر حروف معجم بیشتر ازین نیست.»

حمزه‌ی اصفهانی^۴ در کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف گوید: «مهمترین کتابهای مردم جهان از سکان شرق و غرب و شمال و جنوب دوازده کتابت است و آن حمیری، عربی، فارسی، عبرانی، سریانی، یونانی، رومی، قبطی، بربری، اندلسی، هندی و چینی است. پنج از آنها استعمالش مضمحل و باطل شده و کسانی که آنها را می‌دانستند از میان رفته‌اند و آن حمیری و یونانی و قبطی و بربری و اندلسی است. سه از آنها در کشورهای خود استعمالش باقیست و کسی در بلاد اسلامی نیست که آنها را بداند و آن رومی و هندی و چینی است و چهار از آنها در کشورهای اسلامی مستعمل میباشد و در دست است و آن عربی و فارسی و سریانی و عبرانی است.»

«اما کتابت عربی یک نوع دارد و در آن تفنن نیست فقط خط قلمهای آن در حال تجوید و تعلیق تغییر میکند. ولی کتابت

۱ - نگاه کنید به ابن ندیم .
 ۲ - صحیح کلمه و بسپ دبیر است یعنی خط کامل .
 ۳ - نبطی معرب ناپد یعنی ناخدا و دریا نورد است .
 ۴ - وفات او را از ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری نوشته‌اند .

فارسیان دارای هفت کتابت بودند . از آنهاست کتابت دین و نامیده میشود دین دفتریه و با آن اوستا را می نویسند . کتابت دیگری ویش دبیره گفته میشود و آن سیصدوشصت و پنج حرف بود ، با آن فراست وزجر و شرش آب و طنین گوش و اشاره های چشم و ایما و غمزه و مانند اینها را می نوشتند . « صاحب الفهرست گوید که : « کسی ازین قلم دستش نیفتاد و از فارسیان کسی امروز نمی تواند آنرا بنویسد . اماد موبد را از آن پرسیدم گفت آری بکار می رود برای ترجمه چنانکه در کتابت عربی تراجمی موجودست . »

« کتابت دیگر گسج^۱ گفته میشود و آن بیست و هشت حرف است . با آن نوشته میشود عهد و مؤامرات و قطائع . و همچنین فارسیان با این کتابت روی انگشتر و حاشیه لباس و روی فرشها و سکه های دینار و درهم نقش میکردند . کتابت دیگر شاه دبیره گفته میشود . با این کتابت شاهان عجم تکلم میکردند میان خودشان ، ولی نه با عوام ، و منع میکردند از آن سایر مردمان کشور را ، از ترس اینکه مبدا آگاه شود از اسرار ایشان کسی که شاه نیست . بدست ما نیفتاد . کتابت رسائل چنانکه بر زبان جاریست و در آن نقطه نیست . برخی از آنها به زبان سربانی اولی که اهل بابل به آن گفتگو میکردند نوشته میشد و خوانده میشد به فارسی . عدد حروفش سی و سه حرف است .

نامه دبیره و هام دبیره گفته میشود و آن برای سایر اصناف کشور بجز شاهان است کتابت دیگر راز سهریه گفته میشود . پادشاهان با آن رازهای خود را می نوشتند با هر کس از سایر امم . عدد حروف و اصواتش چهل حرف است و هر حرفی از حروف و اصوات ، صورت معروفی دارد و در آن لغت نبطی نیست . و ایشان را کتابت دیگری است که داس سهریه گفته میشود . با آن فلسفه و منطق نوشته میشود و آنرا بیست و چهار حرف است . نقطه دارد . بدست ما نیفتاد . «

پس از فتنه مغول و نابودی آثار تمدن مخصوصاً در مشرق ایران ، دیگر مطلب تازه ای درباره ی تاریخ و مخترع و انواع خط بنظر نمیرسد . ولی خوشبختانه تألیف کتابهای تجوید به فارسی و عربی و تحقیقات صداشناسی از چند هزار سال پیش به این طرف همیشه در ایران ادامه داشته است .

علمی که در آن از مقاطع دهان و حروف هجا و مخرج و صفات هر حرف بحث میکند علم تجوید مینامند . از چند قرن پیش از میلاد در ایران و هند دعاها و سرودهای مذهبی را با زمزمه و آهنگ می خواندند این طرز خواندن را مردم این دو کشور

۱ - عرب کلمه « گشته » است یعنی خط گردانیده . اشکال حروف را از روی دهان می کشیدند و بعد آنرا برای زیبایی تا نود درجه می چرخانیدند . اصطلاح مهم گشته دبیره ازینرو پیدا شده است .

از پیشوایان دینی خود با علاقمندی بسیار می آموختند زیرا عقیده داشتند که اگر سخنان مقدس با تلفظ صحیح قدیمی و زیبای خود ادا نشود تأثیری ندارد و این عادت بهمان روش دبیرنه اکنون در کنار بتکده های هند و صحن مسجدها معمولست .

در ایران پیش از اسلام بجز علم تجوید ، حروف مخصوصی برای ضبط زمزمه یا قرائت کتابهای دینی داشتند که بدبختانه بجز حروف آن الفبای آهنگی و ترتیب علمی بیمانند آن و علامات تجوید و برخی اصطلاحات و مدارک تاریخی از کتب اصلی این علم چیزی بدست ما نیفتاده است .

در دوره ی اسلامی ، نخستین علمی را که به عربی نقل کردند علم تجوید بود ، ولی چون این علم از دانشهای سری دینی و در ایران منحصر به یک دسته مخصوصی بود مسلمانان جز معلومات سطحی از آن چیزی دیگری نتوانستند بدست آورند زیرا اگر با اصول فنی این علم آشنایی میداشتند میتوانستند خط تجویدی داشته باشند و مجبور نشوند برای قرائت هر کلمه ای شرح جداگانه ای در کتابهای مفصل خود بنویسند .

از قراری که نوشته اند در زمان حجاج بن یوسف در عراق اختلافات خونینی میانهای مسلمانان در قرائت آیات قرآنی پیدا شد . برای جلوگیری از این اختلافات حجاج از کاتبهای ایرانی خود کمک خواست و در همین هنگام است که حروف معجم کوفی از خطوط قدیم ایران اقتباس گردید .

چون آثار قدیمتر خط کوفی اصلی را به علت شباهت بسیار با خط قدیم ایران حتی در قرن سوم و چهارم هجری از میان برده اند ، در اینجا ما حروف کوفی دو کتیبه ی لاجیم و ابرقو را که در کتاب آثار ایران چاپ شده است زمبینه ی مقایسه قرار می دهیم . دو کتیبه ی مذکور که در اوایل قرن پنجم هجری نوشته شده از معتبرترین اسناد قدیمی شیوه ی خط کوفی بشمار می آیند .

اوستا	کوفی	اوستا	کوفی
ا	ا	ب	ب
ب	ب	گ	گ
د	د	س	س
ه	ه	ز	ز
ح	ح	ر	ر
ط	ط	ل	ل
ک	ک	م	م
خ	خ	و	و
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		
د	د		
ذ	ذ		
ر	ر		
ز	ز		
س	س		
ش	ش		
ص	ص		
ض	ض		
ط	ط		
ظ	ظ		
ع	ع		
ف	ف		
ق	ق		
ک	ک		
گ	گ		
خ	خ		

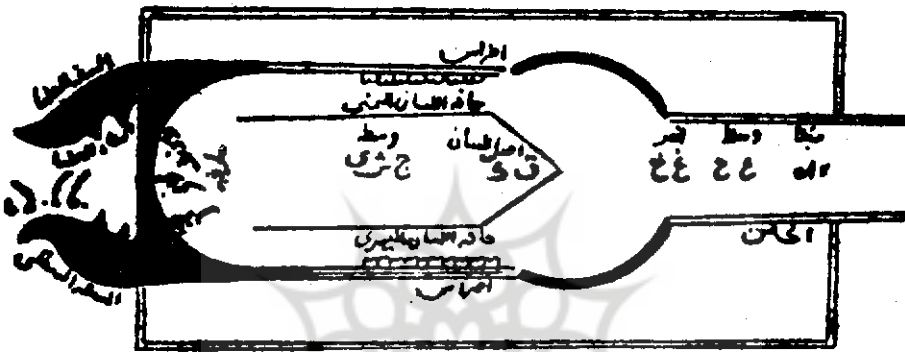
ترتیب حروف معجم که در «الکتاب» سیبویه (اواسط قرن دوم هجری) آمده بشرح زیرست :

« همزه الف ه ع ح غ خ ق ك ض ج ش ی ل ر ن ط د ت ص ز س ظ ذ ث ف ب م و »

در کتابهای تجوید ، مقطعیهای بسیاری از دهان عمودی و افقی و همچنین مقطع جداگانه زبان یافت میشود . برای نمونه چند مقطع در ذیل میدهیم :

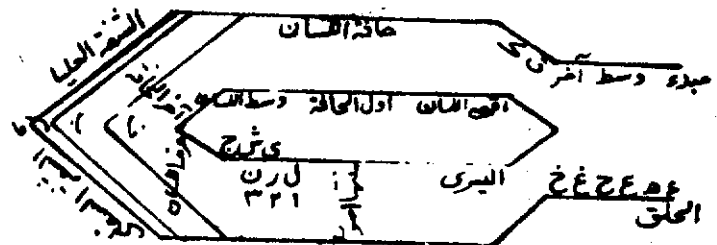
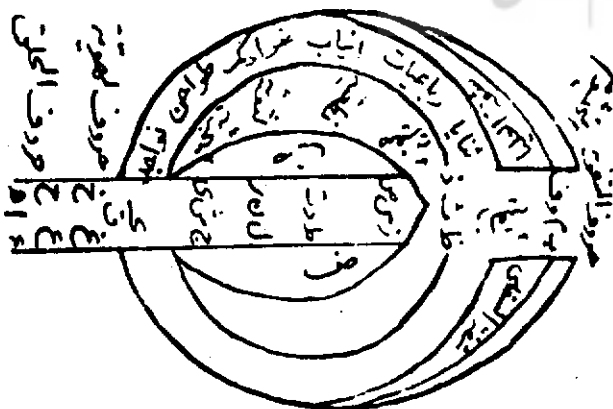
از نکات قابل توجه در تاریخ الفبا ، ترتیب طبیعی صداهاست که یکی از کلیدهای سر ساختمان حروف بشمار می آیند .

ترتیب حروف معجم که ترتیبی باستانی است تا اواخر قرن چهارم هجری رواج داشته و پایه اش بر مقطع های حروف از حلق تا لب بوده است . این ترتیب یگانه ترتیب علمی و فنی صداها در جهان است و مانند آن در هیچ الفبائی دیده نمی شود .



این مقطع از کتاب مفتاح العلوم سکاکی که در خوارزم صدسال پس از مؤلف نسخه برداری کرده اند گرفته شده است و مربوط به قرن هفتم هجری است . این نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران میباشد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



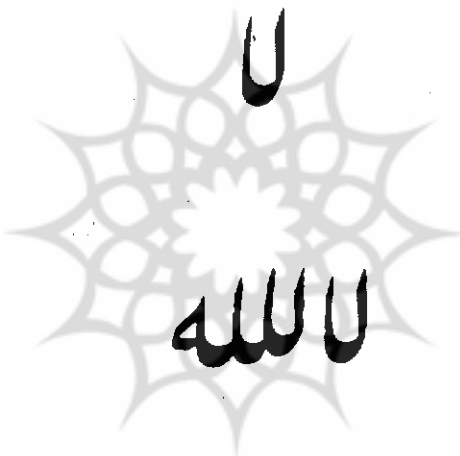
مقطع فوق از قرن هفتم هجری است .

باء نام بگذار . پس اگر بگویی «س» آن دندان است . با این روایت نویسنده خیال داشته است که از این راه الف بء را باز به آسمان و فرشته نسبت دهد ولی نتوانسته است که راجع به بقیه‌ی حروف چیزی بگوید .

هر چند خلفاء و شعوبه به قوه‌ی احادیث و اخبار جعلی موفق به تغییر ترتیب حروف و شیوه‌ی خط کوفی شدند ولی مسئله‌ی «همزه» و «الفلام» لاینحل ماند .

در خط کوفی مانند خط اوستا ، الف یا همزه را اینطور لا می‌نوشتند که بعد از تغییر خط «لام الف» خوانده میشد . این حرف لا در کلمه‌ی «الله» که در خط کوفی اینطور «لا لله»

در قرن سوم و چهارم هجری یکی از جدالهای مهم شعوبه بر سر اسم حروف معجم به جای الفبا و ترتیب تجویدی ایرانی آن و شباهت کامل حروف کوفی با حروف اوستا و بویژه شکل همزه و الف و نقص خط کوفی بوده است که عاقبت منتهی به برهم زدن ترتیب حروف و تغییر شیوه‌ی خط و محو بسیاری از آثار ، و جعل آثار و احادیث و اخبار در این باره شده است . به موجب حدیثی که نسبت روایت آن را به ابی ذر غفاری داده اند خط بمنزله يك كتاب آسمانی از آسمان بر حضرت آدم نازل شده و بیست و نه حرف دارد و «لام الف» يك حرف است و دو حرف نیست .



نوشته میشد دوبار بکار رفته و محو و حک آن به آسانی ممکن نبوده است و به همین جهت در کلیه کتب تجوید و غیره در موضوع این حرف مطالب مهمی نوشته اند که دلیل بر حیرت مؤلفین در حل اشکال است ولی در المقنع خواهی نخواهی اقرار شده که این حرف در اصل شبیه به حروف اعاجم بوده است .

باری آنچه مورخین ایرانی و عرب راجع به خط بصورت آشکار و مرتبی نوشته اند اینست :

در حدود چهار و یک سده پیش از میلاد ، ایرانیان خطی داشتند که یاد گرفتن و نوشتن آن آسان نبوده است و مخترع این خط را بوذاسف نوشته اند .

سی و سه سده بعد از آن تاریخ یعنی هیجده قرن پیش از میلاد زردشت خط شگفت آوری اختراع کرد که باعث ترقی و نشر علوم و فنون گردید . (دنباله دارد)

مقصود ازین روایت آنست که اختراع خط ، مربوط به قومی از اقوام نیست که آنرا از افتخارات خود بدانند بلکه ساخته و پرداخته آسمانست و شماره‌ی حروف الفبای عربی هم همان بیست و نه است که از قدیم علمای فن برای سخنگویی لازم دانسته اند .

واضحست که زبان عربی حروف و اصواتی بیشتر از بیست و نه برای ضبط تلفظ خود لازم دارد و «لام الف» هم نمی‌تواند يك حرف باشد .

در کتاب التیجان منسوب به وهب بن منبه که در اواخر قرن دوم هجری میزیسته است آمده - فرشته‌ای که در خواب به عابر نبی خواندن بسم الله یاد می‌داد به او گفت :

در کار این حروف دقت کن و نام آنها را چنانکه زبان و لب تو به تو میدهد بگذار . «ب» را با لب می‌گویی پس آنرا

